

قربانی در آیین یهود

احمد آقایی*

اشاره

آیین قربانی از کهن‌ترین آیین‌های تمام ادیان، اعم از ابتدایی و پیشرفته، است. انسان‌ها در تمام ادوار کوشیده‌اند تا با تقدیم هدیه و قربانی به خدا یا خدایان، خشنودی آنها را جلب کرده، از خشم و غضبشان جلوگیری کنند. قرآن کریم منشأ قربانی در ادیان را امر الاهی می‌داند: «برای هر امتی قربانگاهی قرار دادیم، تا نام خدا را (به هنگام قربانی) بر چهارپایانی که به آنان روزی داده‌ایم، ببرند». این آیین در طول دوره‌های مختلف به علل گوناگون، دستخوش تغییر و تحول‌های زیادی شده است. آیین قربانی در ادیان مختلف، دارای شباهت‌هایی، از جمله یاد خدا و تقرب به او در قربانی، است و در مواردی نیز با یکدیگر اختلاف دارند، مثل جایگاه قربانی در شریعت، نحوه ادای قربانی و... . یکی از ادیان زنده و نزدیک به اسلام، یهودیت است. آیین قربانی در یهودیت نیز فراز و نشیب‌هایی را به خود دیده است. وابستگی مستقیم قربانی به معبد مقدس یهودیان، این آیین را، پس از تخریب معبد، به تعطیلی کشاند. در مراحل بعد یهودیان جایگزین‌هایی را برای قربانی در نظر گرفتند. در این نوشتار بر آنیم تا به بررسی جنبه‌های مختلف قربانی در یهودیت مثل پیشینه و پیدایش قربانی، جایگاه قربانی، گونه‌های قربانی، تحولات قربانی و... بپردازیم.

کلیدواژه‌ها: قربانی، یهودیت، کفاره، شریعت، کاهن، معبد

تعریف قربانی

دانش‌نامه دین، قربانی را عملی مذهبی می‌داند که در آن چیزهایی از تملک شخص خارج شده، به خدا یا یک نیروی فوق‌طبیعی اختصاص می‌یابد و تقدیم آنها می‌شود (Henninger, 1987: 12/544). در یهودیت، واژه Korban برای قربانی به کار برده می‌شود. معنای اصلی این کلمه، تقرب به خداوند و از ریشه Karav به معنای نزدیک شدن است (Birnbau, 1995: 550). معادل انگلیسی قربانی Sacrifice است و از Sacrificium گرفته شده است که ترکیبی است از دو کلمه Sacer به معنای مقدس و کلمه Facere به معنای ساختن، و این معنا را می‌رساند که قربانی کردن، جنبه تقدس و خدایی به قربانی می‌بخشد (Henninger, 1987: 12/544).

گاهی واژه پیشکش نیز برای قربانی استفاده می‌شود. پیشکش گاهی مترادف قربانی و گاه اعم از قربانی و به معنای دادن هدیه دادن است.

پیدایش و پیشینه قربانی در یهودیت

نخستین جریان قربانی در عهد عتیق، مربوط به قربانی فرزندان آدم است. در تورات آمده است: «بعد از مرور ایام، واقع شد که قائن [قابیل] هدیه‌ای از محصول زمین برای یَهُوه [خداوند] آورد. و هابیل نیز از نخست‌زادگان گله خویش و پیه آنها هدیه‌ای آورد» (پیدایش ۴: ۳-۴). قربانی نوح، دومین جریان قربانی در عهد عتیق است. طبق کتاب مقدس، هنگامی که نوح پس از طوفان از کشتی بیرون آمد، قربانگاهی ساخت و برای خدا قربانی کرد و بوی آن به مشام یهوه رسید (پیدایش ۸: ۲۰-۲۱). سومین قربانی، قربانی فرزند ابراهیم است. خدا به ابراهیم دستور داد تا فرزند خود «اسحاق» را قربانی کند، ولی هنگامی که اطاعت محض ابراهیم را دید، قوچی را برای قربانی به جای اسحاق فرستاد (پیدایش ۲۲: ۱-۱۳).

اولین قربانی در بنی‌اسرائیل، مربوط به خروج بنی‌اسرائیل از مصر است. موسی از طرف خدا مأمور شد تا بنی‌اسرائیل را از دست فرعون و مصریان رهایی بخشد (خروج ۳: ۱۰). فرعون مانع این کار شد و خدا بلاهای مختلفی را بر مصریان فرستاد تا گواهی بر صدق مأموریت موسی باشد؛ اما فرعون باز اجازه خروج از مصر را به بنی‌اسرائیل نداد، تا اینکه خدا بلای نهایی را نازل کرد. خدا به موسی گفت من تمام نخست‌زادگان، از

انسان‌ها و حیوانات، را خواهم کشت، مگر نخست‌زادگان بنی‌اسرائیل؛ پس به بنی‌اسرائیل بگو تا گوسفندی را بکشند و خون آن را به چارچوب در پاشند تا نشانه‌ای باشد بر اینکه این‌جا محل سکونت بنی‌اسرائیل است، و آنان از عذاب الاهی در امان باشند (رک: خروج ۱۲: ۱۲-۱۴).

با دقت در فقرات عهد قدیم، این نکته روشن می‌شود که منشأ قربانی، امر الاهی است؛ خدا از قربانی‌ها خشنود است، در موقعیت‌های مختلف از بنی‌اسرائیل قربانی می‌طلبد و آنان را از ترک این عمل برحذر می‌دارد. اما برخی، برخلاف نظر سنت یهودی، اصل قربانی در یهودیت را تحت تأثیر آیین‌های کنعانیان می‌دانند. جلال‌الدین آشتیانی، پس از نقل نظر برخی از معاصران، بیان می‌کند:

به نظر من دین صحرا فاقد این تشریفات و شعائری بوده است که کاملاً وابسته به زندگی شهری و دین معبدی است. هیچ‌یک از این شعائر و رسوم در صحرا قابل اجرا نبوده است و حتی در مقایسه با اقوام بادیه‌نشین و کوچگر دیگر نیز می‌توان یقین کرد که این شعائر قربانی در محیط کنعان و در برخورد با فرهنگ مذهبی مردم شهرنشین شکل گرفته است. حتی از کتاب مقدس نیز می‌توان استنباط کرد که در دوران صحرا چنین شعائری مرسوم نبوده است. تنها قربانی که به کوچگران نسبت داده می‌شود، ذبح برهٔ پسخ (فصح) است که آن را نمی‌سوزانند، بلکه خود می‌خورند و یک نوع جشن و ضیافتی برای آغاز تجدید حیات طبیعت و احشام خویش برپا می‌داشتند. در ده فرمان، که آن را مهم‌ترین دستورات پایه‌ای یهوه معرفی می‌کنند، سخن از قربانی نیست. مهم‌ترین نشان غریب بودن این شعائر، نفی آن از سوی نبی‌های بزرگ قبل از تبعید است... آنان نه تنها این شعائر را از اصول دین صحرا نمی‌دانسته‌اند، که آنها را نتیجه فساد و تحمیل روحانیت توجیه می‌کنند (آشتیانی، ۱۳۶۸: ۲۸۴-۲۸۶).

قرآن تصریح دارد که منشأ قربانی در ادیان، امر الاهی است (رک: حج: ۳۴) و باید توجه داشته باشیم که دانشمندان جدید که به بررسی قربانی پرداخته‌اند، منشأ دین را نه تنها آسمانی و قدسی نمی‌دانند، بلکه آن را زمینی و بشری می‌پندارند. ما در این

نوشتار، منشأ دین را الهی و منشأ دستورات آن، از جمله قربانی، را امر الهی می‌دانیم. در پاسخ به اینکه گفته‌اند: «اگر قربانی از شعائر یهودیت است، چرا در ده فرمان ذکر نشده است؟» باید توجه داشت که ده فرمان، شریعت اخلاقی یهود را بیان می‌کند که همه انسان‌ها، در همه اعصار باید به آن پای‌بند باشند. ده فرمان در مقام بیان شریعت آیینی و مناسک نیست که ذکر نشدن قربانی در آن، نشانه نبودن قربانی در یهودیت باشد. از دیگر اموری که برای نفی قربانی در شریعت یهود به آنها استشهاد شده است، اقوال برخی از انبیا است. ابتدا نگاهی به این فقرات انداخته، سپس نکاتی را عرض می‌کنیم.

در کتاب میکاه نبی آمده است:

با چه چیز به حضور یهوه بیایم و نزد خدای تعالی رکوع نمایم؟ آیا با قربانی‌های سوختنی و با گوساله‌های یک‌ساله به حضور وی بیایم؟ آیا خداوند از هزاران قوچ و ده‌ها هزار نهر روغن راضی خواهد شد؟ آیا نخست‌زاده خود را به عوض معصیت، و ثمره بدن خویش را به عوض گناه جانم بدهم؟ ای مرد از آنچه نیکو است تو را اخبار نموده است، و خداوند از تو چه چیز را می‌طلبد غیر از اینکه انصاف را به جا آوری و رحمت را دوست بداری و در حضور خدای خویش با فروتنی سلوک نمایی؟ (میکاه: ۶-۸ و نیز رک: ارمیا ۷: ۲۱-۲۴).

عاموس نبی از زبان یهوه می‌گوید:

من از عیدهای شما نفرت و کراهت دارم و (عطر) محفل‌های مقدس شما را استشمام نخواهم کرد. و اگرچه قربانی‌های سوختنی و هدایای آردی خود را برای من بگذرانید، آن را قبول نخواهم کرد و ذبایح سلامتی پرواری‌های شما را منظور نخواهم داشت. آهنگ سرودهای خود را از من دور کن؛ زیرا نغمه بریط‌های تو را گوش نخواهم کرد. و انصاف مثل آب، و عدالت مانند نهر دایمی جاری بشود. ای خاندان اسرائیل آیا شما قربانی‌ها و هدایا برای من مدت چهل سال در بیابان گذرانیدید؟ نی بلکه خیمه ملکوم خود و تمثال اصنام خویش و کوکب خدایان خود را به جهت خویشتن ساخته بودید، برداشتید (عاموس ۵: ۲۱-۲۶).

هوشع نیز از زبان یهوه می‌گوید:

زیرا که رحمت را پسند کردم و نه قربانی را، و معرفت خدا را بیشتر از قربانی‌های سوختنی (هوشع ۶: ۶).

فقرات فوق، گرچه به ظاهر بر مطلوب نبودن قربانی دلالت می‌کنند، اما شایسته است به فقرات دیگر کتاب مقدس نیز توجه کنیم. در برخی فقرات از قربانی‌های آینده خبر می‌دهد که یهوه آنها را خواهد پذیرفت؛ برای مثال، یهوه می‌فرماید:

در کوه مقدس من، بر کوه بلند اسرائیل، تمام خاندان اسرائیل جمعاً در آنجا مرا عبادت خواهند کرد و در آنجا از ایشان راضی شده، ذبایح جنبائیدی شما و نوبرهای هدایای شما را با تمامی موقوفات شما خواهم طلبید. و چون شما را از امت‌ها بیرون آورم و شما را از زمین‌هایی که در آنها پراکنده شده‌اید، جمع نمایم، آنگاه هدایای خوش‌بوی شما را از شما قبول خواهم کرد و به نظر امت‌ها در میان شما تقدیس کرده خواهم شد (حزقیال ۲۰: ۴۰-۴۱).

برخی فقرات کتاب مقدس، از توقف آیین قربانی در آینده خبر می‌دهند و آن را نوعی مصیبت می‌دانند:

بنی اسرائیل ایام بسیاری بدون پادشاه و بدون رئیس و بدون قربانی و بدون تمثال و بدون ایفود و ترفیم خواهند ماند. و بعد از آن بنی اسرائیل بازگشت نموده، یهوه خدای خویش و پادشاه خود داوود را خواهند طلبید. و در ایام بازپسین به سوی یهوه و احسان او با ترس خواهند آمد (هوشع ۳: ۴-۵).
ای کاهنان، پلاس در بر کرده، نوحه‌گری نمایید... زیرا که هدیه آردی و هدیه ریختنی از خانه خدای شما بازداشته شده است (یوئیل ۱: ۱۳).

در فقراتی، از قربانی در روز داوری خبر می‌دهد:

به حضور خداوند یهوه، خاموش باش؛ زیرا که روز خداوند نزدیک است؛ چونکه خداوند قربانی‌ای مهیا کرده است و دعوت‌شدگان خود را تقدیس

نموده است. و در روز قربانی خداوند واقع خواهد شد که من بر آقایان و پسران پادشاه و همه آنانی که لباس بیگانه می‌پوشند، عقوبت خواهم رسانید (صفنیا ۱: ۷-۸).

با دقت در فقرات فوق و فقرات دیگر مربوط به قربانی، می‌یابیم که انتقاد خداوند از یهودیان این است که چرا دل به ظواهر دین خوش کرده‌اند و باطن دین را که عدالت و راستی است، کنار گذاشته‌اند؟ چرا به خدا گوش نمی‌دهند و طبق هواهای نفسانی خود عمل می‌کنند؟ خداوند می‌گوید:

این قوم از دهان خود به من تقرب می‌جویند و به لب‌های خویش مرا تمجید می‌نمایند، اما دل خود را از من دور کرده‌اند (اشعیا ۲۹: ۱۳).

همچنان که در مورد روزه واقعی می‌گوید:

آیا روزه‌ای که من می‌پسندم، مثل این است؛ روزی که آدمی جان خود را برنجانند و سر خود را مثل نی خم ساخته، پلاس و خاکستر زیر خود بگسترانند؟ آیا این را روزه و روز مقبول یهوه می‌خوانی؟ مگر روزه‌ای که من می‌پسندم، این نیست که بندهای شرارت را بگشایید و گره‌های یوغ را باز کنید و مظلومان را آزاد سازید و هر یوغ را بشکنید؟ مگر این نیست که نان خود را به گرسنگان تقسیم نمایی و فقیران رانده‌شده را به خانه خود بیاوری و... (اشعیا ۵۸: ۵-۷).

همان‌طور که این فقرات، اصل روزه را نفی نمی‌کنند، بلکه روزه واقعی را بیان می‌کنند، فقرات مربوط به قربانی نیز، یهودیان را از دل‌خوش‌داشتن به انجام ظواهر شریعت، از جمله قربانی‌ها، نهی می‌کنند، نه اینکه اصل قربانی را انکار کنند. دیگران نیز با برشمردن شباهت‌هایی بین جشن‌های یهودیان و یونانیان، آیین‌های یهودیت را متأثر از آیین‌های یونانیان دانسته‌اند، اما یهودیان با اشاره به تفاوت‌های قربانی یهودی و یونانی با این ادعا مخالفت کرده‌اند؛ برای مثال فیلون، با اینکه جشن‌های یهودی را شبیه جشن‌های یونانی می‌داند، معتقد است:

در جشن‌های یونانی به‌علت صرف شراب ناب و غذای زیاد، انحرافات، به‌ویژه انحرافات جنسی، زیاد است، اما در جشن‌های یهودی به‌علت وجود ویژگی‌های مقدس، مثل قربانی برای خدا و سرودهای روحانی، از این انحراف جلوگیری شده است. تمام جشن‌های آیینی یهود، پرستندگان را از پیروی امیال و شهوات باز می‌دارند (Zoe Petropoulou, 2008: 122-123).

این آیین مقدس بر اثر برخی حوادث و بحران‌ها دچار انحرافات شد. برخی از این انحرافات را خود یهودیان نیز قبول دارند؛ نمونه آن گزارش‌های قربانی انسانی در عهد قدیم است که از طرف خدا و انبیا مذمت شده است. علت این انحرافات، تهاجماتی بود که به اورشلیم شد. در اثر این یورش‌ها معبد اورشلیم دو مرتبه خراب شد و یهودیان آواره گشتند. یهودیان از حمله رومیان و یونانیان تأثیر بسزایی پذیرفتند (Ibid: 123-124). آنان در اثر زندگی در میان دیگر ملت‌ها با آیین‌های آن ملت‌ها آشنا شدند و کم‌کم از قوانین یهودی سرپیچی کرده، به آیین‌های آن ملل روی آوردند. پیامبران در طول تاریخ سعی کردند تا از ادغام تدریجی شریعت در دیگر آیین‌ها جلوگیری کنند. آیین قربانی به دلیل وابستگی کاملش به وجود معبد، بعد از خرابی آن در سال هفتاد میلادی تعطیل شد.

مفهوم و جایگاه قربانی در یهودیت

قربانی مهم‌ترین حکم شریعت یهودی، از اولین و مهم‌ترین شعائر خدمت به خدا، و مرکز ثقل عبادات دین یهود است (Faherty, 1974: 113). قربانی در یهودیت نشانه امضای عهدنامه، کفاره گناهان و اصلاح رابطه بین انسان و خداست. با خون قربانی‌ها، عهد خدا با قوم یهود استوار می‌گردد (میشل، ۱۳۷۷: ۹۶-۹۷) و خدا و قوم یهود با هم متحد می‌شوند. توماس میشل در این باره می‌نویسد:

کاهنان یهود هنگام انجام مراسم قربانی مقداری از خون آن را به مذبح - به نشانه خدا - و به قوم می‌پاشیدند. این عمل به معنای آن بود که قربانی زندگی خدای متعال و قوم را متحد می‌سازد. قربانی با پیمان برابر بود؛ زیرا با قربانی و پیمان، خدای متعال خدای آنان می‌شد و آنان قوم او (همان: ۸۹).

در یهودیت، تقدیم قربانی در اصل یک وظیفه شعائری است و هیچ‌گونه رفع نیاز اجتماعی در این عمل مدنظر نیست؛ به همین دلیل قربانی سوختنی، که مهم‌ترین شکل قربانی است، باید درون محراب سوزانده شود تا بوی خوش آن به مشام یهوه برسد و او را آرامش بخشد (آشتیانی، ۱۳۶۸: ۲۷۹). اما برخی معتقدند قربانی آشتی (Peace-Offering)، که همراه با ضیافت همگانی برگزار می‌شد، نشان از ایده نوع‌دوستی و موجب تقویت اتحاد ملی بود (C.f. Birnbaum, 1995: 550).

قربانی در شریعت شفاهی نیز جایگاه بسیار مهمی دارد و از پیچیده‌ترین احکام تلمود محسوب می‌شود؛ به طوری که یکی از حکیمان تلمودی وقتی به مسئله مشکلی برمی‌خورد، می‌گوید: «چنین مسئله مشکلی، با توجه به ثقیل بودنش، به احکام قربانی تعلق دارد» (اشتاین سالتز، ۱۳۸۳: ۲۵۹). حکمای یهودی، توجه خاص و قابل ملاحظه‌ای به احکام قربانی داشته‌اند؛ توجیه آنان این بوده است که هرکس در مطالعه احکام قربانی مشارکت جوید، مانند کسی است که قربانی تقدیم می‌دارد (همان: ۲۵۷-۲۵۸). بر این اساس، یک بخش کامل از تلمود بابلی، یعنی بخش قُداشسیم، به موضوع قربانی اختصاص یافته است.

برای فهم معنای قربانی در یهودیت می‌توان به عناصر دخیل در قربانی دقت کرد. اساس بیشتر آیین‌های قربانی، تقدیم یک موجود زنده، و هدف از تقدیم آن نیز ریختن خون آن برای کفاره گناهان بود؛ چراکه یهوه می‌گوید: «جان جسد در خون او است و من آن را روی مذبح به شما داده‌ام تا برای جان‌های شما کفاره (طلب عفو) کند» (لاویان ۱۷: ۱۱)؛ از این رو خوردن خون برای مردم ممنوع بود (لاویان ۱۷: ۱۰؛ پیدایش ۹: ۴؛ لاویان ۳: ۱۷ و ۷: ۲۶؛ تثنیه ۱۲: ۲۶ و ۲۳ و ۱۵: ۲۳). به اعتقاد فیلون، خون اهمیت بسزایی در قربانی‌ها داشت و استعاره از یک نسب خانوادگی بود، اما نه نسب طبیعی، بلکه چیزی که منشأ اتحاد معرفتی می‌شد (Zoe Petropoulou, 2008: 163). در سیری در تلمود آمده است:

به نظر می‌رسد که قربانی دارای سه عنصر اساسی باشد: «بخشش»، «جایگزینی» و «تقرب». مفهوم «بخشش» به‌طور ضمنی مبین استرداد چیزی است که عبادت‌کننده مالک آن است و آن را به‌عنوان هدیه به درگاه خالق خود پیشکش می‌کند. طبق این مفهوم، یکی ممکن است زیاد ببخشد و دیگری کم؛

این بسته به آن است که قلب او تا چه اندازه به آسمان رو کرده باشد. مفهوم بنیادین دیگر، «جایگزینی» است؛ یعنی قربانی، جانشین قربانی شدن خود فرد یا مرگ او می‌شود؛ زیرا گناه‌کار به خاطر گناهانش سزاوار مردن بوده، اما تورات فرصت تقدیم قربانی را به او عطا کرده است؛ مشروط بر آنکه دریابد که این قربانی نماد قربانی شدن خود اوست و آنچه بر سر این قربانی آمده است، می‌بایست بر سر او می‌آمد. این رویکرد میدراش‌ها کنایه‌ای است که در داستان قربانی کردن اسحاق، که یک قوچ جای او در قربانگاه قرار می‌گیرد و قربانی می‌شود ابراز شده است. حکیمان تلمودی اغلب درباره خاکستر اسحاق به‌عنوان مبنای مذبح سخن می‌گویند، که اشاره به قوچی دارد که به جای پسر ابراهیم قربانی شد. در این حوزه، همیشه تأکید شده است که تنها قربانی نمی‌تواند کفاره گناهان باشد، بلکه فقط پس از توبه است که گناه‌کار می‌تواند قربانی تقدیم کند؛ چه این [توبه] در قبال گناهان علیه خداوند از طریق ابراز پشیمانی و انجام سوگند بر پرهیز از ارتکاب مجدد گناه باشد، و چه از طریق پرداخت تاوان دزدی، در مواردی که گناه ارتکابی علیه هم‌نوعان باشد. پس از آنکه عمل توبه با توجه عمیق و بر اساس آیینی مقدس انجام گرفت، قربانی کفاره گناه تقدیم می‌گردد. تقدیم قربانی، ریختن خون قربانی در قربانگاه و سوزاندن گوشت آن، مراسم تناول‌القریان با خدا هستند و این جنبه از مراسم زمانی که قربانی‌کننده تکه‌ای از گوشت قربانی را می‌خورد، بیشتر قوت می‌گیرد. در این موقع، قربانی‌کننده با خدا پیوندی عاطفی برقرار می‌کند؛ چنان‌که گویی با او یکی شده است. کاهنان یا اشخاص دیگری که قربانی را تقدیم می‌دارند، در عمل نمادین خوردن غذا مشارکت می‌جویند (اشتاین سالتز، ۱۳۸۳: ۲۵۸-۲۵۹).

در مورد جایگاه و فلسفه قربانی در یهودیت دیدگاه‌های دیگری نیز ارائه شده‌اند که حکیمان سستی یهود آنها را نپذیرفته‌اند؛ برای مثال ابن‌عزرا، مفسر، فیلسوف و اخترشناس یهودی قرن دوازدهم، فلسفه وضع قربانی را حفظ قوم یهود از سیطره و نفوذ برخی سیارات آسمانی می‌داند:

هر کشور و ملتی توسط ستاره خاصی اداره می‌گردد؛ برای مثال، ملت یهود تحت حاکمیت سیاره زحل قرار دارند. ... خداوند برای حفظ قوم یهود از سیطره و نفوذ چنین سیاره‌ای، تعدادی فرمان ایجابی به یهود ارائه کرده است... مقرر داشتن سنت قربانی به خاطر هدفی مهم است و آن ضرورت عملکردی هماهنگ با خصلت ستاره‌ای است که اداره‌کننده سرزمین مقدس است. اگر این ملت خود را با چنین قوانین آسمانی وفق ندهد و هدایای قربانی مورد نیاز را فراهم نسازد، سرزمین مقدس ساکنانش را طرد خواهد کرد. ... قوچ قربانی که در یوم کیپور در بیابان رها می‌گردد گناهان مردم را از بین می‌برد؛ این قربانی جهت فرونشاندن خشم مریخ است که حاکم بر قربانیان و جنیان است (کوهن شریاک، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۱۱۹).

ابن میمون، فیلسوف یهودی قرن دوازدهم، نیز معتقد است خداوند برای اینکه توجه اسرائیلیان را از کانون‌های بت‌زده اقوام مجاور بازگرداند، به آنان دستور داد که قربانی بگذرانند، اما فقط برای خدا (آترمن، ۱۳۸۵: ۱۰۳-۱۰۴). برای تأیید این نظریه به فقراتی از کتاب مقدس نیز استشهد شده است: «بعد از این ذبایح خود را برای دیوهایی که در عقب آنها زنا می‌کنند، دیگر ذبح ننمایند» (لاویان ۱۷: ۷)؛ اما این نظریه مورد انتقاد شدید علمای یهود واقع شده است؛ زیرا قربانی را به مرتبه عادی و دنیایی تدابیر تربیتی تنزل مقام داده است (C.f. Birnbaum, 1995: 551).

گونه‌های قربانی در یهودیت

محققان، قربانی‌های یهودیان را طبق ملاک‌های مختلفی دسته‌بندی کرده‌اند؛ عده‌ای قربانی را به عمومی و خصوصی تقسیم کرده‌اند: قربانی‌های عمومی، قربانی‌هایی بودند که در اوقات معین تقدیم می‌شدند (مانند قربانی‌های روزانه، هفتگی یا سبت (شنبه)، ماهانه و سالانه)، و قربانی‌های خصوصی، قربانی‌هایی بودند که یا به صورت واجب، برای کفاره گناهان و تزکیه نفس، تقدیم می‌شدند، و یا از نوع هدایای اختیاری بودند (اشتاین سالتز، ۱۳۸۳: ۲۶۰). عده‌ای دیگر نیز قربانی را به خونی و غیرخونی و یا ذبح و پیشکشی تقسیم کرده‌اند. ما در این

بخش طبق تقسیم‌بندی دوم به گونه‌های قربانی در یهودیت می‌پردازیم.

قربانی خونی

عمده‌ترین و مهم‌ترین قربانی در یهودیت، قربانی خونی است که شامل قربانی انسانی و حیوانی می‌شود.

قربانی انسانی

از گزارش‌های کتاب مقدس برمی‌آید که قربانی فرزند در میان بنی‌اسرائیل رسم رایجی بوده و در نتیجه معاشرت آنان با دیگر فرهنگ‌ها رخ داده است (c.f. Bauks, 2007:66). یکی از این گزارش‌ها، مربوط به عمل پادشاه موآب است:

چون پادشاه موآب دید که جنگ بر او سخت شد، هفتصد نفر شمشیرزن گرفت که تا نزد پادشاه آدوم را بشکافند، اما نتوانستند. پس پسر نخست‌زاده خود را که به جایش می‌بایست سلطنت نماید، گرفته او را بر حصار جهت قربانی سوختنی گذرانید. و غیظ عظیمی بر اسرائیل پدید آمد (دوم پادشاهان ۳: ۲۶-۲۷).

گزارش‌های دیگری نیز از قربانی انسانی نقل شده که مورد نکوهش حضرت داوود (مزامیر ۱۰۶: ۳۸-۳۹)، اشعیا (اشعیا ۵۷: ۳-۷) و ارمیا (ارمیا ۷: ۳۱) واقع شده‌اند. این انحراف در اثر اختلاط با فرهنگ‌های مجاور، در بنی‌اسرائیل رواج پیدا کرده بود و خداوند در سراسر عهد عتیق، اسرائیلیان را از چنین قربانی‌هایی نهی کرده است:

یَهُوَه موسی را خطاب کرده، گفت: بنی‌اسرائیل را بگو: هر کسی از بنی‌اسرائیل یا از غریبانی که در اسرائیل مأوا گزینند که از ذریت خود به مولک بدهد، البته کشته شود؛ قوم زمین او را با سنگ سنگسار کنند. و من روی خود را به ضد آن شخص خواهم گردانید و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت؛ زیرا که از ذریت خود به مولک داده است تا مکان مقدس مرا نجس سازد و نام قدوس مرا بی‌حرمت کند (لاویان ۲۰: ۱-۳ و ۱۸: ۲۱ و نیز رک: لاویان ۲۰: ۲-۵؛ تثنیه ۱۲: ۳۱).

با وجود این، در کتاب مقدس فقراتی وجود دارد که برخی، آنها را دلیل بر وجود دستور قربانی انسانی در شریعت یهودی دانسته‌اند.

قربانی نخست‌زاده

یکی از موارد قربانی در یهودیت، قربانی نخست‌زاده است. در کتاب مقدس آمده است: «هر نخست‌زاده‌ای را که رحم بگشاید در میان بنی اسرائیل، خواه از انسان و خواه از بهایم، تقدیس نما. او از آن من است» (خروج ۱۳: ۲ نیز رک: خروج ۲۲: ۲۹). هنگامی که قرار شد خداوند نخست‌زادگان مصری (اعم از بهایم و انسان‌ها) را هلاک کند تا فرعون اجازه خروج بنی اسرائیل را بدهد، خدا به موسی دستور داد تمام بنی اسرائیل بره‌ای را قربانی کنند و خون آن را به چارچوب در خانه‌هایشان بمالند تا هنگامی که عذاب نازل می‌شود، نخست‌زادگان بنی اسرائیل در امان بمانند. پس نخست‌زادگان بنی اسرائیل را خدا نجات داد؛ از این رو به او تعلق دارند. در اینجا خون بره جایگزین نخست‌زادگان شد (c.f. Bauks, 2007: 76). پس از این نیز خداوند برای نخست‌زادگان انسانی درخواست فدیة می‌کند (خروج ۱۳: ۱۳؛ همچنین رک: خروج ۳۴: ۲۰)؛ فدیة هر نخست‌زاده پنج مثقال نقره است (اعداد ۱۸: ۱۶). خدا از موسی می‌خواهد این مطلب را به آیندگان نیز منتقل کند:

در زمان آینده چون پسر از تو سؤال کرده، گوید: که این چیست؟ او را بگو: یَهُوَه ما را به قوت دست از مصر از خانه غلامی بیرون آورد. و چون فرعون از رها کردن ما دل خود را سخت ساخت، واقع شد که یَهُوَه جمیع نخست‌زادگان مصر را از نخست‌زاده انسان تا نخست‌زاده بهایم کشت. بنابراین من همه نرینه‌ها را که رحم را گشاید برای یَهُوَه ذبح می‌کنم، لیکن هر نخست‌زاده‌ای از پسران خود را فدیة می‌دهم (خروج ۱۳: ۱۴-۱۵).

در مرحله بعد شاهدیم که یهوه لاویان را به‌عنوان فدیة نخست‌زادگان می‌خواهد: یَهُوَه موسی را خطاب کرده، گفت: اینک من لاویان را از میان بنی اسرائیل به‌عوض هر نخست‌زاده‌ای از بنی اسرائیل که رحم را بگشاید، گرفته‌ام. پس لاویان از آن من می‌باشند؛ زیرا جمیع نخست‌زادگان از آن من‌اند و در روزی

که همه نخست‌زادگان زمین مصر را کشتم، جمیع نخست‌زادگان اسرائیل را، خواه از انسان و خواه از بهایم، برای خود تقدیس نمودم؛ پس از آن من می‌باشند. من یَهُوَه هستم (اعداد ۳: ۱۱-۱۳).

موسی نیز به دستور الاهی به سرشماری نخست‌زادگان بنی‌اسرائیل می‌پردازد، اما تعداد نخست‌زادگان از تعداد لاویان بیشتر است. موسی به ازای هر نخست‌زاده اضافی، پنج مثقال نقره به هارون و پسرانش فدیة می‌دهد (اعداد ۳: ۴۱-۵۱). سپس خداوند می‌فرماید:

پس لاویان را به‌عوض همه نخست‌زادگان بنی‌اسرائیل گرفتم و لاویان را از میان بنی‌اسرائیل به هارون و پسرانش پیشکش دادم تا خدمت بنی‌اسرائیل را در خیمه اجتماع به جا آورند و به جهت بنی‌اسرائیل کفاره نمایند و چون بنی‌اسرائیل به قدس نزدیک آیند، وبا به بنی‌اسرائیل عارض نشود (اعداد ۸: ۱۸-۱۹).

برخی تأکید می‌کنند که اصولاً بی‌معناست بپذیریم دستور قربانی انسانی در دین وجود داشته است (c.f. Bauks, 2007: 78)؛ خداوند تنها سرسپردگی و اطاعت را می‌خواهد؛ چنان‌که آمده است:

آیا یَهُوَه از هزارها قوچ و از ده‌ها هزار نهر روغن راضی خواهد شد؟ آیا نخست‌زاده خود را به‌عوض معصیت‌م و ثمره بدن خویش را به‌عوض گناه جانم بدهم؟ ای مرد از آنچه نیکو است تو را اخبار نموده است و یَهُوَه از تو چه چیز را می‌طلبد غیر از اینکه انصاف را به جا آوری و رحمت را دوست بداری و در حضور خدای خویش با فروتنی سلوک نمایی؟ (میکاه ۶: ۷-۸).

برخی نیز قربانی نخست‌زاده در بنی‌اسرائیل را استعاره‌ای از قربانی اسحاق دانسته‌اند و گفته‌اند هدف از این دستور یادآوری ایمان فوق‌العاده حضرت ابراهیم بوده است (Bauks, 2007: 67).

قربانی اسحاق

برخی این پرسش را مطرح می‌کنند که اگر در شریعت یهودی، از قربانی انسانی نهی شده و هرگز دستوری از سوی خداوند برای قربانی انسانی نرسیده است، ماجرای امر خداوند به ابراهیم مبنی بر ذبح فرزند چه بوده است؟ آیا خداوند از ابراهیم، قربانی انسانی خواسته است؟ آیا می‌توان گفت قربانی انسانی که در تاریخ بنی‌اسرائیل موجود است، از همین امر خداوند نشئت گرفته است و نه از فرهنگ بیگانگان؟ چنان‌که برخی گفته‌اند: «احتمال اینکه قربانی انسانی به همراه ابراهیم وارد کنعان شده باشد، بسیار قوی است» (Cohn-sherbok, 1999: 69). با مطالعه کتاب مقدس روشن می‌شود که هدف خداوند از این دستور، امتحان ابراهیم (ع) بوده است و خداوند راضی به قربانی انسانی نمی‌شود: ابراهیم دست خود را دراز کرده، کارد را گرفت تا پسر خویش را ذبح نماید. در حال فرشته خداوند از آسمان وی را ندا درداد و گفت: ای ابراهیم، عرض کرد: لیبک! گفت: دست خود را بر پسر دراز مکن و بدو هیچ مکن، زیرا که الان دانستم که تو از خدا می‌ترسی؛ چون‌که پسر یگانه خود را از من دریغ نداشتی (پیدایش ۲۲: ۱۰-۱۲).

شاید یکی دیگر از اهداف این دستور، مبارزه با عقاید مردم آن روزگار بوده است. خداوند برای مبارزه با قربانی انسانی، که رسم رایجی در آن زمان بود، این آزمایش الهی را در نظر گرفت تا نارضایتی خود را از قربانی انسانی نشان دهد (Ibid: 169).

نذر یفتاح

در داوران آمده است که یفتاح، از داوران بنی‌اسرائیل، نذر کرد اگر عمونی‌ها را شکست داد و به سلامت به منزل بازگشت، هرچه را که از در خانه‌اش برای استقبال بیرون آمد، به‌عنوان قربانی سوختنی، به یهوه تقدیم کند. هنگامی‌که وارد خانه شد، دخترش به استقبال او آمد و یفتاح او را قربانی کرد (داوران ۱۱: ۳۴-۳۹). ممکن است کسی به دلیل جایگاه بالای داوران در میان بنی‌اسرائیل این عمل یفتاح را دلیل بر شرعی بودن قربانی انسانی قلمداد کند، اما اگر نیک به داستان بنگریم می‌بینیم که یفتاح اصلاً به ذهنش خطور نمی‌کرد که ممکن است دخترش به استقبال آید. او از ناراحتی لباس خود را

می‌درد و می‌گوید: «آه ای دختر من، مرا بسیار ذلیل کردی و تو یکی از آزارندگان من شدی؛ زیرا دهان خود را به یَهُوَه باز نموده‌ام و نمی‌توانم برگردم» (داوران ۱۱: ۳۵). در این جریان، برخلاف داستان حضرت ابراهیم(ع)، خدا نمی‌خواهد ایمان یفتاح را آزمایش کند، بلکه این یفتاح است که چنین نذری می‌کند؛ در اینجا خدا جایگزینی را نمی‌فرستد. هرچند برخی در اینکه یفتاح دخترش را قربانی کرده باشد تشکیک کرده‌اند (c.f. Bauks, 2007: 74)، اما مسترهاکس دلایل آنان را رد می‌کند و معتقد است یفتاح دخترش را قربانی کرد (مسترهاکس، ۱۳۷۷: ۹۶۰). باید توجه داشت که در تاریخ یهودیت موردی را سراغ نداریم که عمل یفتاح، مجوز شرعی قربانی انسانی شده باشد.

قربانی حیوانی

منظور از قربانی حیوانی، قربانی کردن حیوانات اهلی مانند گاو، گوسفند، کبوتر و اولین نوزاد هر حیوانی است. حیوان قربانی نباید عیبی داشته باشد (لاویان ۲۲: ۱۷-۲۵)؛ چراکه حیوان ناقص شایسته خداوند نیست و پذیرفته نمی‌شود (رک: لاویان، فصل ۲۷). به اعتقاد برخی، بی‌عیب‌بودن قربانی نمادی است از اینکه قربانی‌گزار باید عاری از هرگونه شهوات و رذایل باشد (Rothkoff, 2007: 647). قربانی‌های حیوانی چهار دسته‌اند:

۱. قربانی‌های سوختنی: این نوع قربانی جهت کفاره گناهان تقدیم می‌شد. کفاره گناه، بستگی به نوع گناه و شخص گناه‌کار داشت. در این قربانی، حیوان را کشته، آن را بر روی مذبح با آداب خاصی می‌سوزاندند (رک: لاویان، فصل ۱).
۲. قربانی‌های تکفیری و خطایی: چنان‌که از نام آن برمی‌آید به جهت تکفیر گناهان و یا تجاوز از شریعت ده‌گانه موسی انجام می‌یافته و هدف از آن پاکی فرد خاطی بوده است. در یهودیت اگر شخصی از روی غفلت و فراموشی نیز مرتکب گناهی می‌شد، می‌بایست قربانی تقدیم می‌کرد؛ زیرا غفلت و فراموشی ناشی از ضعف درونی است که جبران آن مستلزم کفاره بود (اشتاین سالتر، ۱۳۸۳: ۲۶۱-۲۶۲). این قربانی، متناسب با طبقه و حال قربانی‌گزار بود: کاهن اعظم (لاویان ۴: ۳) و بنی‌اسرائیل (لاویان ۴: ۱۴)، در صورت تخلف عمدی از اوامر، می‌بایست گاو نر جوانی را تقدیم کنند، اما اگر تخلف سهوی

بود، رئیس می‌بایست یک بز نر (لاویان ۴: ۲۳) و جماعت اسرائیل بز ماده (لاویان ۴: ۲۸؛ اعداد ۱۵: ۲۷) یا بره‌ای را تقدیم کنند (لاویان ۴: ۳۲). اگر شخص فقیر بود، می‌توانست دو قمری یا دو کبوتر بیاورد و اگر این اندازه هم نداشت، ده یک ایفه (واحد وزن) آرد نرم کافی بود (لاویان ۵: ۱۱-۱۳؛ حقوق ۹: ۲۲).

۳. قربانی‌ها و ذبایح سلامت: این نوع قربانی از ذبایح واجب محسوب نمی‌شد، بلکه برای تشکر یا تقدیس خداوند بود (لاویان ۷: ۱۲-۱۳، ۱۵؛ ۲۲: ۲۹). در موارد بسیاری واژه قربانی شکرگزاری، به‌عنوان مترادف واقعی برای قربانی سلامتی استفاده شده است (رک: دوم تواریخ ۲۹: ۳۱ و ۳۳؛ ۱۶: ۱۷؛ ارمیا ۱۷: ۲۶).

۴. قربانی گاو سرخ: این نوع قربانی برای تهیه «آب تنزیه» جهت تطهیر کاهنان انجام می‌شد. خداوند به موسی دستور می‌دهد: «به بنی‌اسرائیل بگو که گاو سرخ پاک که در آن عیب نباشد و یوغ بر گردنش نیامده باشد، نزد تو بیاورند» (اعداد ۱۹: ۲). در مراسم قربانی، کاهن خون قربانی را به خیمه می‌پاشید و گاو را می‌سوزاند، و شخصی طاهر خاکستر آن را با آب مخلوط می‌کرد؛ از آن مخلوط به‌عنوان آب تنزیه استفاده می‌شد. این نوع قربانی زمانی صورت می‌پذیرفت که کسی در خیمه‌گاه یا بیرون از آن می‌مرد. هرکس مرده را لمس کرده بود، به مدت هفت روز نجس می‌شد و برای تطهیر، خود را با آب تنزیه می‌شست (رک: اعداد، فصل ۱۹).

قربانی غیرخونی

قربانی غیرخونی، شامل نوبرهای فصلی، روغن‌های گیاهی، آرد، حبوبات، شراب، طلا، نقره و... می‌شد؛ برای مثال در کتاب مقدس آمده است:

موسی تمامی جماعت بنی‌اسرائیل را خطاب کرده، گفت: این است امری که یهوه فرموده و گفته است از خودتان هدیه‌ای برای یهوه بگیرید. هرکه از دل راغب است، هدیه یهوه را از طلا و نقره و برنج بیاورد، و از لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک و پشم بز، و پوست قوچ سرخ‌شده و پوست خنز و چوب شطیم، و روغن برای روشنایی، و عطریات برای روغن مسح و برای بخور معطر، و سنگ‌های جزع و سنگ‌های ترصیع برای ایفود و سینه‌بند (خروج ۳۵: ۴-۹).

قربانی غیرخونی^۲ بیشتر شامل هدایای آردی، ریختنی، جنباندنی و افراشتنی می‌شد. هدیه آردی، یا آرد مرغوب بود که می‌بایست روی آن روغن زیتون بریزند و کندر بر آن بنهند، و یا نان پخته بود که می‌بایستی خالی از خمیرمایه و عسل باشد و از آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون تهیه شده باشد. بنی‌اسرائیل فقط در هدیه نوبر محصولات مجاز بودند از خمیرمایه و عسل استفاده کنند، ولی این هدیه را نمی‌بایست بر آتش بسوزانند (رک: لاویان، فصل ۲).

هدیه ریختنی شراب بود که می‌بایست همراه دیگر هدایا و قربانی‌ها تقدیم شود. بنی‌اسرائیل شراب را در قدس و در حضور خداوند می‌ریختند (اعداد ۲۸:۷).

در مورد هدیه جنباندنی، اسرائیلیان موظف بودند اولین بافه محصول را نزد کاهن بیاورند تا او آن را در حضور خدا تکان دهد. آنان حق نداشتند پیش از تقدیم این هدایا، نان یا حبوبات تازه بخورند. هفت هفته بعد، در روز پنجاهم، نیز می‌بایست هدیه دیگری از محصول تازه خود را به حضور خداوند بیاورند. هر خانواده‌ای می‌بایست دو قرص نان، که از دو کیلو آرد مرغوب همراه با خمیرمایه پخته شده بود، به حضور خداوند بیاورد و تکان دهد و به‌عنوان هدیه‌ای از آخرین برداشت محصول به خدا تقدیم کند. این هدایا به مصرف کاهنان می‌رسید (لاویان ۲۳: ۹-۲۰).

هدیه افراشتنی نیز هدیه‌ای از محصولات بعد از درو بود: «از محصول زمین بخورید، آنگاه هدیه افراشتنی برای یَهُوَه بگذرانید. از خمیر اول خودگرده‌ای جهت هدیه افراشتنی بگذرانید؛ مثل هدیه افراشتنی خرمن همچنان آن را بگذرانید» (اعداد ۱۵: ۱۹-۲۰).

آداب قربانی در یهودیت

برای آشنایی با قربانی در یهودیت و پی‌بردن به اهمیت آن، لازم است به مباحثی چون زمان قربانی، مکان قربانی، قربانی‌کننده و مصرف قربانی در شریعت یهودی پرداخته شود.

زمان قربانی

در یهودیت، قربانی گاه به‌طور متناوب انجام می‌گرفت؛ مانند قربانی‌های روزانه، ماهانه، روز سبت (شنبه)، روز کفار و اعیاد، گاهی نیز در مواقع خاصی مانند نذر، شکرگزاری،

پاکی از جذام، پاکی از نجاسات و تهیه آب طهارت. برخی از این قربانی‌ها بر هر یهودی واجب بود و برخی نیز فقط بر عهده کاهنان بود.

قربانی‌های روزانه، نمادی از ضمانت اسرائیل برای نشکستن عهد خدمت به خدا بودند. بوی خوش بخور که به سوی آسمان می‌رفت، نیز نماد طبیعی از تسبیح بالارونده به سوی خدا بود (Bimbaum, 1995: 550)؛ چنان‌که در کتاب مقدس آمده است: «دعای من به حضور تو مثل بخور آراسته شود» (مزامیر ۱۴۱: ۲).

در هر عید مقدس، یک بز نر به‌عنوان قربانی گناه تقدیم می‌شد؛ مانند ماه نو (اعداد ۲۸: ۱۵)، عید چندروزه پسخ (اعداد ۲۵: ۲۲-۲۴)، عید شاعوت (هفته‌ها) (اعداد ۲۸: ۳۰)، عید کرناها (اعداد ۲۹: ۵)، یوم کپیور (اعداد ۲۹: ۱۱) و عید چندروزه سایه‌بان‌ها (اعداد: ۲۹: ۱۶ و ۱۹). قربانی سوختنی به‌طور دائمی روزانه دو بار انجام می‌گرفت؛ یک بره نر صبح و دیگری در شام (خروج ۲۹: ۳۸-۴۲؛ اعداد ۲۸: ۱۸)؛ دو بره نیز در هر شنبه قربانی می‌شد (اعداد ۲۸: ۹-۱۰). تورات برای تطهیر زنی که زایمان کرده است (لاویان ۱۲: ۶-۸)، شخصی که جزام دارد (لاویان ۱۴: ۲-۲۰)، و کسی که جنب و حائض است (رک: لاویان، فصل ۱۵) دستور قربانی می‌دهد. بنی اسرائیل همچنین برای تهیه آب طهارت، جهت رفع گناه، مکلف به ادای قربانی بودند (اعداد ۱۴: ۱-۱۰). یهودیان در مواقع جشنی و غیرجشنی به اورشلیم رفته، قربانی تقدیم می‌کردند. تقدیم قربانی، حتی در اوضاع سخت نیز ترک نمی‌شد؛ همان‌گونه که هنگامی که پمپئی (pompey) رهبر سیاسی و نظامی رمانی در سده اول پیش از میلاد) معبد را محاصره کرد، کاهنان قربانی‌های روزانه را چنان ادامه دادند که گویا اتفاقی نیفتاده است (Zoe Petropoulou, 2008: 142).

مکان قربانی

پیش از نوح مکان خاصی برای قربانی وجود نداشت، اما در زمان نوح برای این آیین، مکان خاصی ساخته شد (پیدایش ۸: ۲۰). پس از نوح، ابراهیم (پیدایش ۱۲: ۷)، اسحاق (پیدایش ۲۶: ۲۵)، یعقوب (پیدایش ۳۵: ۷) و موسی (خروج ۱۷: ۱۵ و ۲۴: ۴) برای خداوند قربانگاه ساختند. خدا به موسی دستور داد: «گوشت و خون قربانی‌های سوختنی خود را بر مذبح یهوه خدایت بگذران و خون ذبایح تو بر مذبح یهوه خدایت ریخته شود و گوشت را بخور» (تثنیه ۱۲: ۲۷).

قربانگاه، در ایام قدیم، از سنگ یا تلی از خاک ساخته می‌شد و بنای خاص و مستحکمی نداشت؛ چنان‌که قربانگاهی که یعقوب در بیت‌ئیل بنا نمود، همان سنگی بود که شب‌ها از آن به‌عنوان بالین استفاده می‌کرد (مسترهاکس، ۱۳۷۷: ۷۸۸). در دوره‌های بعد، قربانگاه یهود دارای تشکیلات متنوع داخلی و خارجی شد؛ از میان آنها معبد سلیمان دارای دو صحن بود. بنا به روایت عهد عتیق، داوود خواست معبدی را برای خداوند بسازد و تجهیزات زیادی از فلزات و چوب‌ها را فراهم کرد (اول تواریخ ۲۲: ۲-۴)، اما خداوند وعده کرد پسرش سلیمان آن معبد را تمام خواهد کرد (اول تواریخ، فصل ۱۷)؛ چراکه داوود خون بسیار بر زمین ریخته بود (رک: اول تواریخ، ۲۲: ۸). پیش از ساخت معبد اورشلیم، خیمه مقدس کارکرد معبد را داشت و یک معبد موقتی قابل حمل و مناسب برای قربانی‌ها بود (Zoe Petropoulou, 2008: 154). تورات نیز در صندوقچه نگهداری می‌شد، که در نهایت به حکم داوود به اورشلیم آمد. پس از ساخت معبد، مراسم قربانی، که پیش‌تر در مکان‌های مقدس گوناگونی انجام می‌شد، در یک قربانگاه در معبد سلیمان متمرکز شد (Ibid: 137-138) و دیگر کسی حق نداشت در غیر قربانگاه قربانی کند؛ اگر نه می‌بایست از میان قوم طرد شود (لاویان ۱۷: ۳-۴). فیلون معتقد است چون خدا یکی است، معبد نیز یکی است؛ تقدیم قربانی در معبد سلیمان امتحانی سخت برای بندگان مؤمن خدا است؛ اما اگر شخص مؤمن بخواهد قربانی کند، به بُعد مسافت اهمیتی نمی‌دهد (Zoe Petropoulou, 2008: 154).

قربانی‌کننده

در یهودیت تنها کاهنان آیین قربانی را انجام می‌دادند. این مقام موروثی بود، اما اگر کاهنان قادر نبودند، می‌بایست لاویان به آنان کمک کنند (دوم تواریخ ۲۹: ۳۴). خدا به هارون می‌گوید: «تو و پسرانت کاهن هستید و باید شخصاً تمام خدمات مقدس قربانگاه و قدس‌الاقداص را انجام دهید، چون خدمت کاهنی عطای خاصی است که آن را تنها به شما داده‌ام. هر فرد دیگری که بخواهد این کار را انجام دهد، کشته خواهد شد» (اعداد ۱۸: ۷). در یهودیت، کاهن اعظم نماد ملی به هم‌پیوستگی است. او اولین شخص بعد از خدا در میان یهودیان و مورد احترام همه است (Zoe Petropoulou, 2008: 140).

اگرچه فقط کاهنان قربانی‌ها را تقدیم می‌کنند، اما آورنده قربانی نیز — در قربانی سوختنی — پیش از تقدیم، دست خود را روی سر حیوان می‌گذارد؛ تفسیرهای گوناگون و مشابهی برای این عمل ارائه شده است؛ عزرا و نحμία معتقدند با قراردادن دست بر سر حیوان قربانی، گناهان فرد گناه‌کار به آن حیوان منتقل می‌شود و قربانی‌گزار باید بداند که خود او مستحق ریخته‌شدن خورش بوده است (Rothkoff, 2007: 648). فیلون این عمل را نماد پاک‌سازی وجدان می‌داند، گویا قربانی‌گزار می‌گوید: «این دست به هیچ‌گونه بی‌عدالتی، شرکت در چپاول و یا به خون ناحقی آلوده نشده است» (Zoe Petropoulou, 2008: 175). به نظر سامسون رافائل هرش (۱۸۰۸-۱۸۸۸؛ Samson Raphael Hirsch)، بنیادگذار نورااست‌کیشی آلمان، دست‌های شخص گناه‌کار به‌لحاظ اخلاقی تضعیف شده‌اند و باید خویشان را در برابر سختی‌های آینده مقاوم و پایدار سازند، و این قوت و نیرو، با عمل قربانی حاصل می‌شود (Rothkoff, 2007: 648).

مصرف قربانی

بنا به دستور یهوه، قربانی‌ها باید به مصرف کاهنان برسند و کس دیگری حق ندارد به آنها دست بزند (اعداد ۱۸:۸-۹). اگر کسی غیر از کاهن از قربانی بخورد به هدایا بی‌حرمتی کرده است و اگر کسی ندانسته بخورد، باید همان را همراه یک‌پنجم دیگر به کاهن بازگرداند (لاویان ۲۲: ۱۰-۱۶). کاهن نیز برای مصرف قربانی — چون غذای مقدسی است — باید طاهر باشد و به چیز نجسی دست نزده باشد، اگر نه باید از مقام کاهنی عزل (لاویان ۲۲:۳) و از قوم طرد شود (لاویان ۷: ۱۹-۲۱).

تعطیلی قربانی

چنان‌که در بحث پیشینه قربانی اشاره کردیم، آیین قربانی در یهودیت، در اثر حوادثی که برای معبد اورشلیم به وجود آمد، تعطیل شد. در سال ۵۸۸ پیش از میلاد، نبوکدنصر (بُخْتَنْصَر، پادشاه بابل) به اورشلیم حمله کرد. او یهودیان را به اسارت بابلی برد و بنای معبد را به‌طور کامل ویران کرد. طبق کتاب مقدس، اشتباه‌های سیاسی حاکمان یهودا (ارمیا ۲۷: ۹-۱۵) و گناهان بنی‌اسرائیل (ارمیا ۱۱: ۱-۱۷؛ همچنین رک: حزقیال، فصل ۷)، علت اسارت و تخریب معبد یهودیان بود. پس از فتح بابل به دست کورش کبیر در سال

۵۳۸ ق.م، یهودیان اجازه یافتند به موطن اصلی خویش بازگردند. یهودیان پس از بازگشت به وطن خود، مذبحی در مکان قدیم معبد برافراشتند و آیین قربانی را احیا کردند. معبد که در اثر حمله نبوکدنصر ویران شده بود، به فرمان کورش و داریوش، و در زمان نبوت زکریا و حجی، مرمت و بازسازی شد (عزرا ۶: ۱۴). معبد در سال هفتاد میلادی به دست رومیان بار دیگر خراب شد (کلاپرن، ۱۳۴۹: ۲ / ۱۷۴). با خرابی معبد، آیین قربانی نیز تعطیل شد؛ زیرا این آیین وابستگی کامل به وجود معبد اورشلیم داشت. با این حال از عبارات میشنا برمی آید که حتی پس از سال هفتاد میلادی نیز، قربانی در معابد دیگر صورت می گرفته و روی آن حساسیتی نبوده است (Zoe Petropoulou, 2008: 143). در رساله مربوط به قربانی‌های خوراکی آمده است:

اگر کسی بگوید من عهد می‌کنم که قربانی به جا آورم، باید قربانی را در معبد اورشلیم تقدیم کند و اگر آن را در بیت انیاس (House of Onias) این معبد در سرزمین یهودا قرار داشته است) قربانی کند، به عهد خود وفا نکرده است؛ اما اگر بگوید من آن را در بیت انیاس تقدیم می‌کنم، باید آن را در معبد تقدیم کند و اگر در بیت انیاس نیز تقدیم کند به عهد خود عمل کرده است (Neusner, 2000: 2/ 191).

یهودیان امیدوارند بتوانند هرچه زودتر معبد را بازسازی و احکام مربوط به آن را اجرا کنند (رک: حزقیال ۱۱: ۱۷-۲۱). یهودیان مذهبی روزی سه بار چنین دعا می‌کنند: «آیا این گونه رخ می‌دهد که معبد با سرعت هرچه بیشتر در زمان ما ساخته شود» (سایزر، ۱۳۸۳: ۱۸). اندیشه بازسازی معبد بر این فرضیه مبتنی است که پیش‌گویی‌های صریح کتاب عهد عتیق در مورد معبد، هنوز تکمیل نشده‌اند. برخی ادعا می‌کنند: «تورات ملت یهود را ملزم به بازسازی معبد می‌کند تا در هر زمان که امکان آن فراهم شد به وظیفه خود عمل کنند» (همان).

جایگزین‌های قربانی

پس از خرابی معبد و تعطیلی قربانی، عالمان یهودی جایگزین‌هایی برای قربانی مطرح کرده‌اند که عبارت‌اند از: نماز، قرائت تورات، صدقه، روزه و مرگ رئیس کهنه.

نماز

پس از خرابی معبد و تعطیلی آیین‌های مربوط به آن، عبادت‌ها به شکل نیایش درآمدند. علمای مجمع بزرگ یهودی از اوایل قرن پنجم پیش از میلاد، رفته‌رفته برای نیایش‌ها قوانین خاصی وضع کردند و نماز، که از آن باعنوان «قربانی لب‌ها» یا «عبادت قلبی» نام برده می‌شد، جایگزین قربانی گردید (المیسری، ۱۳۸۲: ۲۴۴/۵). اصل نماز پس از خرابی اول شکل گرفت، اما پس از خرابی دوم به‌طور کامل جایگزین قربانی شد (Levine, 1972: 330). نماز برای مردان یهودی واجب است؛ زیرا جایگزین مراسم قربانی است که در روزگار آبادی معبد، تقدیم خداوند می‌گردید و یهودیان باید تا زمان بازسازی معبد به نماز ادامه دهند (المیسری، ۱۳۸۲: ۲۴۴/۵). آنان در سه نوبت به نماز می‌ایستند. تلمود دو دلیل را برای سه نوبت بودن نماز ذکر می‌کند:

۱. هر نماز برابر با یک قربانی در معبد بیت‌المقدس در قدیم است؛ یک قربانی در صبح و یکی در عصر بوده است و آخر شب نیز بقایای قربانی روزانه را می‌سوزاندند.
۲. این نمازها یادگار انبیای سه‌گانه هستند که طبق تورات، ابراهیم صبح‌ها، اسحاق عصرها و یعقوب شب‌ها نماز می‌خواندند (B. Talmud, Berakoth, 26b).

قرائت تورات

دیگر جایگزین قربانی‌ها، قرائت رسم قربانی در تورات با صدای بلند است؛ یهودیان داستان ذبح اسحاق را تلاوت می‌کنند. تلاوت این داستان، به‌ویژه در روز دوم از سال جدید، بیش از دیگر جایگزین‌ها متداول است. حاخام‌ها سخنی از حضرت ابراهیم نقل می‌کنند که پس از تقدیم قربانی حیوانی، به خدا گفت اگر مردم دیگر نتوانند چنین قربانی‌هایی بیاورند، چه خواهد شد؟ خداوند گفت: «بگذار تا آنان، آن را در برابر من بخوانند، آنگاه قربانی برعهده من خواهد بود». در تلمود، این‌گونه اظهارات، که بیانگر جایگزینی دعا، به‌ویژه دعاهای مربوط به قربانی، به جای خود قربانی هستند، مکرر تکرار شده است (Gaster (n.d.): 28; c. f. Yagod, 2007: 89).

صدقه

صدقه دادن از دیگر جایگزین‌های قربانی میان یهودیان به شمار می‌رود. در تورات

به جای قربانی نخست‌زاده انسانی، پنج مثقال نقره در نظر گرفته شده است (اعداد ۱۸: ۱۶). در تلمود نیز آمده است: «سفره‌ای که مردی می‌اندازد، مانند مذبح اورشلیم است که او در آن قربانی‌هایی پیشکش می‌نماید» (Gaster, (n. d.): 28).

روزه

روزه گرفتن نیز از دیگر عباداتی است که یهودیان آن را به جای قربانی انجام می‌دهند. آنان با روزه گرفتن، در واقع، به قربانی کردن جسم خود می‌پردازند تا با ریاضت و ابراز فروتنی در برابر خداوند، از او بخواهند این کار را به‌عنوان کفاره‌ای در برابر گناهان بپذیرد، و یا آنکه شیطان را از آنان دور سازد (c. f. Gaster (n.d.): 26-27). ربی ششت (R. Shesheth)، آموزای بابلی قرن سوم، هنگامی که روزه می‌گرفت، این دعا را می‌خواند: ای خدای عالم، تو می‌دانی هنگامی که معبد برپا بود اگر کسی گناهی می‌کرد، قربانی‌ای می‌آورد و تنها چربی و خون آن را تقدیم می‌کرد و کفاره‌ای برای او بود. اکنون من روزه گرفته‌ام و چربی و خون من تقلیل رفته است. از تو می‌خواهم که این کاهش چربی و خون من به‌عنوان قربانی‌ای باشد که بر روی مذبح تو تقدیم می‌شد و لطف تو شامل من شود (B. Talmud, Berakoth, 17a).

در تلمود، موارد متعددی را می‌توان یافت که طی آن، فرد چند روزی از سال، و گاه تمام سال، را روزه می‌گرفت تا بدین وسیله، از خدا طلب حاجت نماید. ربی شادول (R. Sadol) به مدت چند سال روزه گرفت تا سرنوشت اورشلیم تغییر یابد. ربی هانینا (R. Hanina) برای دفع بدبختی شخصی، مبادرت به روزه گرفتن کرد. یهودیان همچنین روزه ۱۳۰ ساله حضرت آدم (ع) را کفاره‌ای در مقابل گناه او می‌دانند. به اعتقاد یهودیان، با روزه گرفتن و فدیة خویش، می‌توان لطف و رحمت خداوندی را به دست آورد (Gaster, (n.d.): 27).

مرگ رئیس کهنه

مرگ رئیس کهنه از موارد دیگری است که جایگزین قربانی و کفاره گناه محسوب می‌شود (Milgrom, 2007: 774). کسی که مرتکب قتل غیر عمد شده باشد، باید در شهر بماند

و تا هنگام مرگ رئیس کهنه در آنجا به سر برد، پس از آن آزاد است و بی آنکه کسی متعرض وی شود، می‌تواند به خانه خود بازگردد (ر.ک: اعداد ۳۵، ۲۲-۲۸؛ یوشع ۲۰: ۱-۶). ارتباط بین مرگ کاهن بزرگ و آزادی متهم به قتل را در صورتی می‌توان توجیه کرد که مرگ رئیس کاهنان را کفاره همه گناهان و گناهکاران زمان وی بدانیم. به نظر می‌رسد عبارت: «مرگ روحانی بزرگ، کفاره است» که در تلمود آمده، مرتبط با همین موضوع باشد (Gaster, (n.d.): 27).

کتاب‌نامه

- اشتاین سالتز، آدین (۱۳۸۳)، *سیری در تلمود*، ترجمه باقر طالبی دارابی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۶۸)، *تحقیقی در دین یهود*، تهران: جلال‌الدین آشتیانی.
- آنرمن، الن (۱۳۸۵)، *باورها و آیین‌های یهود*، ترجمه حمیدرضا فرزین، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- سایزر، استفان (۱۳۸۳)، «بازسازی معبد و آیین قربانی»، ترجمه فاطمه شفیعی، *مجله موعود*، شماره ۴۶.
- کلاپرمن، ژیلبرت و لیبی (۱۳۴۷-۱۳۵۴)، *تاریخ قوم یهود*، ترجمه مسعود همتی، تهران: انجمن فرهنگی اوتصر هتورا.
- کوهن شریاک، دن (۱۳۸۴)، *فلسفه یهودی در قرون وسطا*، ترجمه علیرضا نقدعلی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- مستر هاکس (۱۳۷۷)، *قاموس کتاب مقدس*، تهران: اساطیر.
- المیسری، عبدالوهاب محمد (۱۳۸۲)، *دایرة‌المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، نمونه تفسیری جدید*، ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین.
- میشل، توماس (۱۳۷۷)، *کلام مسیحی*، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- Bauks, Michaela (2007), "The Theological Implications of Child Sacrifice in and beyond the Biblical Context in relation to Genesis 22 and Judges 11", in: *Human Sacrifice in Jewish and Christian Tradition*, Karin Finsterbusch (ed.), Leiden. Boston.
- Birnbaum, Philip (1995), *Encyclopedia of Jewish Concepts*, New York: Hebrew Pub Company.
- Cohn-sherbok, Dan (1999), *A Concise Encyclopedia of Judaism*, Oxford: One World.
- Faherty, Robert L. (1974) "sacrifice", in: *The New Encyclopedia Britannica*, 15th ed, Chicago: Encyclopedia Britannica, Inc.
- Gaster, M. (n.d.) "Sacrifice", in: *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), New York: Charles Scribners Sons.
- Henninger, Joseph (1987), "sacrifice", in: *The Encyclopedia of religion*, Mircea Eliade (ed.), New York: Magmillan.
- Levine, Baruch A. (2007), "cult", in: *Encyclopedia Judaica*, vol. 5, Jerusalem, Detroit: Macmillan Refrence USA in association with the ketev Pub. House.
- Milgrom, Jacob (2007), "Bloodguilt", in: *Encyclopedia Judaica*, vol.3, Jerusalem, Detroit: Macmillan Refrence USA in association with the ketev Pub. House.

- Neusner, Jacob (2000), *The Halakhah: an encyclopaedia of the Law of Judaism*, Koninklijke Brill NV, leiden, The Netherlands, Retrieved from <http://books.google.com>.
- Rothkoff, Aaron (2007), "Sacrifice", in: *Encyclopedia Judaica*, vol.17. Jerusalem, Detroit: Macmillan Reference USA in association with the ketev Pub. House.
- Talmud* (1984), (Hebrew-English edition of the Babylonion Talmud), London.
- Yagod, Leon J. (2007), "Traditiont", in: *Encyclopedia Judaica*, vol.20, Jerusalem, Detroit: Macmillan Reference USA in association with the ketev Pub. House.
- Zoe Petropoulou, Maria (2008), *Animal Sacrifice in Ancient Greek Religion, Judaism, and Christianity 100 BC-AD 200*, Oxford, New York, Retrieved from <http://books.google.com>.